

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

عاشورا

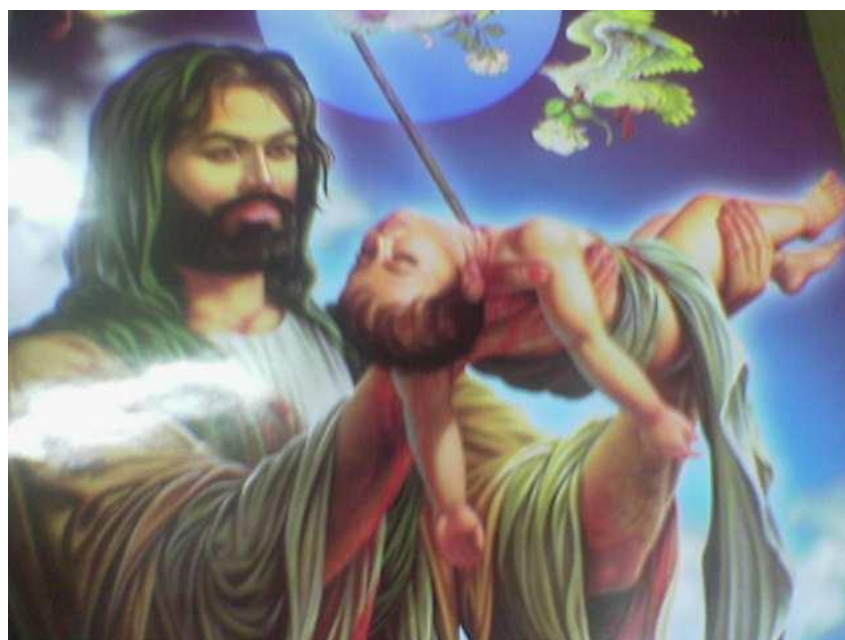
حزین (زہرا) خوش نظر



ایسین مظلوم



و این کتاب تقدیم به کوچک ترین شهید کربلا حضرت علی اصغر علیه السلام





لَعَلَّكُمْ الْحُسَيْنَ وَعَدُوَّهُ ابْنِ الْحُسَيْنِ وَعَدُوَّهُ ابْنِ الْحُسَيْنِ



متن زیارت عاشورا و ترجمه

السلام عليك يا ابا عبد الله

سلام بر تو ای ابا عبد الله،

السلام عليك يا ابن رسول الله

سلام بر تو ای فرزند رسول خدا،

(السلام عليك يا خيرة الله وابن خيرته)

السلام عليك يا ابن أمير المؤمنين وابن سيد المرسلين

سلام بر تو ای فرزند امیر مؤمنان، و فرزند سرور جانشین،

السلام، علیک یا ابن فاطمة سيدة نساء العالمین

سلام بر تو ای فرزند فاطمه سرور بانوان جهانیان،

السلام، علیک یا ثار الله و ابن ثار الله و الوتر الموتر

سلام بر تو ای خون خدا، و فرزند خون خدا

و ای تنهای مظلوم،

السلام، علیک و علی الأرواح التي حلت بفنائک

سلام بر تو و جانمایی که به درگاهت فرود آمدند،

علیکم منی جمیعاً سلام و الله ابداً ما بقیت و بقی اللیل و النهار

از جانب من برهنگی شما

سلام خدا برای همیشه، تا هستم و تا شب و روز باقی است،

یا ابا عبد الله

ای ابا عبد الله،

لقد عظمت الرزية

هر آینه عزایت بزرگ و سنگین شد،

و جلالت و عظمت المصیبه تک (بکم) علینا و علی جمیع ائمه الاسلام

و مصیبت تو بر ما و بر همه اهل اسلام بس بزرگ گشت،

و جلالت و عظمت مصیبتک فی السموات علی جمیع اهل السموات

و سکنین و بزرگ شد مصیبتت در آسمانها بر همه اهل آسمان،

فلعن الله أمة أسست أساس الظلم والجور عليكم أهل البيت

خدا لعنت کند امتی را که بنای ستم و بیداد بر شما اهل بیت بنیان نهادند،

ولعن الله أمة دعتكم عن مقامكم

و خدا لعنت کند قومی را که شما را از مقامتان دور کرد،

و أزالكم عن مراتبكم التي رتبكم الله فيها

و از مرتبه ی تان برکنار نمود، مرتبه یایی که خدا شمار در آنها جای داد،

و لعن الله امة قتلتکم

و خدا لعنت کند امتی را که شمارا کشتند،

و لعن الله الممهدین لهم بالکفر من قتلكم

و خدا لعنت کند آنان را که امکان و توان جناب با شمار برای ایشان تدارک دیدند

برئت الی الله و اریکم منهم و (من) اشیاعهم و اتباعهم و اولیائهم

من بیزاری میجویم به سوی خدا و به جانب شما از ایشان و از شیعیان و پیروان و

دوستانشان،

يا ابا عبد الله

ای ابا عبد الله

إني سليم لمن سالكم

من در صلحم با کسیکه با شما صلح کرد،

و در حرب لمن حاربکم، إلى يوم القيامة

و در جنگم با کسیکه با شما جنگید تا روز قیامت،

ولعن الله آل زياد و آل مروان و لعن الله بني أمية قاطبةً و لعن الله ابن مروجانة

و لعن الله عمر بن سعد و لعن الله شمراً

و خدا لعنت کند خاندان زیاد و خاندان مردان را و خدا همه بنی امیه را لعنت کند،

و لعنت کند پسر مرجانه و عمر بن سعد و شمرا،

و لعن الله أمة أسير حيت وأهجمت و سقيت لقتالک

و لعنت کند امتی را که مرکبها را زین کردند و لکام زدند و جنک با تورا دنبال کردند،

بایی ایت و اومی لقد عظم مصابی بک

پدر و مادر من به فدایت همانا مصیبت بر من سنگین شد،

فأسأل الله الذي أكرم مقامك وأكرم مني (بک)

از خدا که مقامت را کرامی داشت، و مرا به وسیله تو کرامت بخشید،

درخواست میکنم، که

اَنْ يَرْزُقَنِي طَلِبَ شَرَكٍ مَعَ اِمَامٍ مَحْضُورٍ مِنْ اَهْلِ بَيْتِ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ

خون خواهی تو را همراه پیشوای یاری شده از اهل بیت محمد

(درود خدا بر او و خاندانش) روزی من کند،

اَللّٰهُمَّ اجْعَلْنِيْ عِنْدَكَ وَجِيْهًا بِاَحْسَنِ عَلِيهِ السَّلَامُ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ

خدایا به حق حسین مرا نزد خود در دنیا و آخرت آبرو مند قرار ده،

يَا اَبَا عَبْدِ اللهِ

ای ابا عبد الله

إِنِّي أَتَقَرَّبُ إِلَى اللَّهِ وَإِلَى رَسُولِهِ وَإِلَى أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ وَإِلَى فَاطِمَةَ وَإِلَى الْحَسَنِ

وَإِلَى الْإِيكِ بِمَوَالَتِكَ

من به خدا و رسولش و امیر مؤمنان، و فاطمه و حسن تقرب میجویم، به دوستی تو

و بامیراقتدایمین و اسیس و اساس و ذلک

و به بنیاری از کسیکه پایه گذاری کرد اساس این واقعه را،

و بنی علیه بنیانه

و بنا نهاد بر آن بنیانش را،

و جری فی ظلمه و جورده علیکم و علی اشیاء علیکم

و روان شد در ستم و بیدادش بر شما، و شیعیان شما،

برئت الی الله و الیکم منہم و اتقرب الی الله

از ایشان به سوی خدا و شما نیز ارم و به خدا تقرب میجویم،

ثم الیکم بموالاةکم و موالاة و لیکم

و پس از آن به شما نیز با دوستی نسبت به شما و دوستی نسبت به دوستان شما،

و بالبراءة من أعدائکم و المناصبین لکم و الحرب

و به بیزاری از دشمنان شما، و به بیزاری از دشمنانتان،

و بالبراءة من أشیاعهم و اتباعهم

و برپاکنندگان جنگ باشما، و به سزایی از شیعیان و پیروان آنها،

إِنِّي سَلِّمٌ لِّمَنِ سَالِكُمْ وَ حَرْبٌ لِّمَنِ حَارِبِكُمْ.

من در صلحم با کسیکه باشما صلح کرد، و در جنگم با کسیکه باشما جنگید،

و ولی لِّمَنِ وَالَّاكُمْ.

و دوستم با کسیکه شمارا دوست داشت،

و عَدُوٌّ لِّمَنِ عَادَاكُمْ.

و دشمنم با کسیکه شمارا دشمن داشت،

فَأَسْأَلُ اللَّهَ الَّذِي أَكْرَمَنِي بِمَعْرِفَتِكُمْ وَبِمَعْرِفَةِ أَوْلِيَائِكُمْ

پس درخواست میکنم از خدا که مرا به معرفت و دوستان شما کرامی داشت

وَرَزَقَنِي الْإِبْرَاءَةَ مِنْ أَعْدَائِكُمْ

و بیزاری از دشمنان شما انصیب من کرد،

أَنْ يَجْعَلَنِي مَعَكُمْ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ

اینکه مرا در دنیا و آخرت با شما قرار دهد،

وَأَنْ يَجْعَلَنِي لِي عِنْدَكُمْ قَدَمٌ صَدَقَ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ

و جایگاهم را نزد شما در دنیا و آخرت استوار بدارد،

وَأَسْأَلُهُ وَأُنِيبُ بِلُغْنِي الْمَقَامِ الْمَحْمُودِ لَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ

و از او می‌خواهم که مرا برساند به مقام ستوده‌ای که برای شما نزد خداست

وَأُنِيبُ بِرُفْقِي طَلِبِ ثَدْرِي (شمار کم) مع إمام هُدًى (هدی) (ظاهر مناطق با حق) مِنكُمْ

و روزی کند خون خواهی ام را به همراه امام هدایت‌گر آشکار و گویای به حق

از خاندان شما،

وَأَسْأَلُ اللَّهَ بِحُكْمِ

و از خدا درخواست میکنم به حق شما،

بِالسُّلْطَانِ الَّذِي لَكُمْ عِنْدَهُ

و شانی که برای شما نزد او است،

أَلَنْ يُعْطِيَ بِمَصْلَبِي بِكَلِمَةٍ أَوْ فُضِّلَ لِي بِعَطِيٍّ مَصْلَبًا بِمَصِيَّتِهِ

که عطا کند به من به خاطر مصیبت زدگی ام به شایسته ترین چیزی را که عطا کند به

مصیبت زده ای به خاطر مصیبتش،

مَصِيَّةٌ مَا أَعْظَمُهَا

چه مصیبتی بزرگ است آن مصیبت،

وَأَعْظَمُ رِزْقِي هَذَا فِي الْإِسْلَامِ وَفِي جَمِيعِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ (اللَّهُ ضَمِينٌ)

و چه عظیم است آن عزا در اسلام، و در همه آسمانها و زمین.

اللهم اجعلني في مقامى هذا ممن تنالهم منك صلوات ورحمة و مغفرة

خدايا در اين جا يگاه مرا از كسانى قرار ده، كه از جانب توبه آنان درود و رحمت و آمرزش

ميرسد

اللهم اجعل مجيى محمد و آل محمد

خدايا حياتم را حيات آيينخته به عشق محمد و خاندان محمد،

و ممانى ممانت محمد و آل محمد

و مكرم را مكرم در حال شيفتى به [محمد و خاندان محمد قرار دهد.

اللهم هذا يوم تبركت به (فيه) بنو أمية وابن اكلته الكلب واللعين وابن اللعين على

(لسانك) ولسان نبيك (صلى الله عليه وآله)

خدایا این روز روزی است که به آن تبرک جستند بنی امیه، و فرزند جگر خوار،

آن لعنت شده فرزند لعنت شده بر زبان تو و زبان پیامبرت

(درود خدا بر او و خاندانش)

فی کل موطن و موقف و وقف فی نبيک (صلى الله عليه وآله)

در هر کجا و هر موقعی که پیامبرت

(درود خدا بر او و خاندانش) در آن ایستاد.

اللهم العن أباسفيان ومعاوية وزيد بن معاوية عليهم منك اللعنة وأبد الآبدين

خدایا لعنت کن اباسفيان، ومعاوية وزید فرزند معاویه را،

که از جانب تو بر آنان لعنت باد به جاودانگی جاودان ها،

و هذا يوم وفرحت به آل زیاد وآل مروان رضي الله عنهما وصلى الله عليه

(عليه السلام)

و امروز روزی است که خوشحال شدند به این روز خاندان زیاد و خاندان مروان،

بخاطر کشتن حضرت امام حسین (درود خدا بر او)

اللهم فضاغف عنهم والعن منك والعذاب اللهم

خدایا پس لعنت و شکنجه ات را بر آنان دو خندان کن،

اللهم انی اتقرب الیک فی هذا الیوم و فی موقفی هذا و ایاام حیاتی بالبراءة منهم.

واللعنة علیهم

خدای من در این روز و در این جایگاه و همه روزهای زندگی ام به تو تقرب میجویم،

به سزای ام از اینان و لعنت بر ایشان،

و بالموالاته لنبیک و آل نبیک علیه و علیهم و السلام.

و به دوستی پیامبر و خاندان پیامبرت (درود بر او و ایشان)

سپس صد مرتبه میگویند

اللهم العن أول ظالم ظلم حق محمد وآل محمد وآخر تابع له على ذلك

خدایا لعنت کن نخستین ستکاری را که به حق محمد و خاندان محمد ستم کرد،

و آخرین کسی را که در این ستم از او پیروی نمود.

اللهم العن العصاة التي (الذين) جاهدت الحسين وشايعت ويايعت وتابعت على

قتله اللهم اغفرهم جميعاً

خدایا لعنت کن جمعیتی را که با حسین نبرد کردند، و همراهی نمودند و پیمان بستند،

و پیروی کردند بر کشتن آن حضرت،

خدا یا همه آنان را لعنت کن،

بعد صد مرتبه میگوئی:

السلام علیک یا ابا عبد الله

سلام بر تو ای ابا عبد الله،

و علی الأرواح الیّتی حلیّت فیّ فناءک

و بر جانهای که به درگاهت فرود آمدند،

علیک منی سلام و الله ابدًا با بقیت و بقی اللیل والنهار

از جانب من سلام خدا بر تو باد همیشه تا، مستم و تا شب و روز باقی است

وَلَا جُعْلُهُ إِلَّا خَيْرًا لِّعَمَلٍ مِّنِي لَزِيَارَتِكُمْ (لِزِيَارَتِكُمْ)

و خدا زیارت شمار آخرین زیارت از سوی من قرار ندهد،

السلام و علی او حسین

و علی علی بن او حسین

(و علی اولاد او حسین)

و علی اصحاب او حسین

سلام بر حسین و بر علی بن الحسین و فرزندان حسین، و یاران حسین.

آنگاه می گوئی

اللهم خص أنت أول ظالم باللعن مني وابدأ به أولاً ثم (اللعن) الثاني والثالث و

الرابع اللهم العن يزيد حاسماً والعن عبيد الله بن زياد وابن مرجانة وعمر بن سعد وشمراً

وآل أبي سفيان وآل زياد وآل مروان إلى يوم القيامة

خدایا اختصاص ده، اولین ستکار را از جانب من به لعنت،

و آغاز کن به آن لعنت اولین را، سپس دومین و سومین و چهارمین را،

خدایا نیز به نحم آنان را لعنت کن،

ولغت کن عبید اللہ بن زیاد و پسر مرجانہ و عمر بن سعد و شمر و خاندان ابوسفیان

خاندان زیاد و خاندان مروان راتاً روز قیامت.

سپس بہ سجدہ می روی و می گوئی:



اللہم ملک احمد حمد الشاکرین ملک علی مصابہم

خدا یا سپاس تو را سپاس سکر گزاران بر مصیبت زدگی آنان،

احمد و حمد علی عظیم رزیتی

خدای را سپاس بر بزرگی عزایم،

اللهم ارزقنی شفاعتہ الحسین یوم الیوم

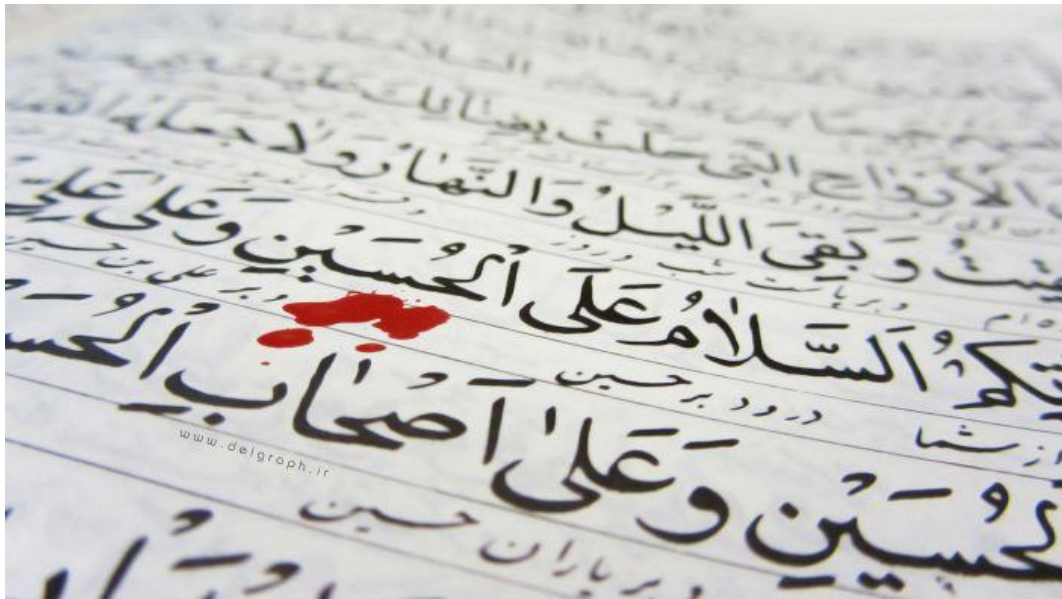
خدایا شفاعت حسین را در روز ورود نصیم کن،

و ثبت لی قدم صدق عندک مع الحسین و أصحاب الحسین

و ثابت بدار قدم صدق مرا نزد خود به همراه حسین و یاران حسین،

الذین بذلوا منجمهم دون الحسین علیہ السلام

آنان که جانشان را در دفاع از حسین (درود بر او) بخشیدند



زیارت عاشورا حدیث قدسی ست

از زیارت هابی که در سیره و کلام معصومین (علیه السلام) و علمای بزرگ دین

بر مداومت قرائتش، فراوان سفارش شده، زیارت عاشورا است.

این زیارتنامه که از سوی امام پنجم - امام محمد باقر (علیه السلام) - به شیعیان تعلیم شده

رامی توان نشور و آمین نامه زندگی یک شیعه و یک مؤمن راستین دانست.

زیارتنامه‌ای که در واقع صحیفه‌ای است مختصر؛ اما کامل از دیدگاه اسلام‌شناسی،

معرفت‌شناسی، امام‌شناسی، جامعه‌شناسی و انسان‌شناسی.

در این زیارت انسان باعالی‌ترین مضامین معارف الهی در شناخت

معصومین (علیه السلام) به ویژه امام حسین (علیه السلام) و نیز شناخت رابطه وجودی

مردم با ائمه معصومین (علیه السلام) و مباحث انسان‌شناسی، همچنین وظایفی که یک

شیعه حقیقی و یک عزادار صادق در قبال امام حسین (علیه السلام) و نهضت او

دارد آشنایی شود.

عنایت ویژه‌ای که از سوی ائمه اطهار (علیه السلام) و بزرگان دین به این زیارت

شریف شده است نشانگر اهمیت آن و کلیدی بودن مضامین آن در نوع

رابطه‌ای که باید هر انسانی با امام حسین (علیه السلام)

و فرزندش امام زمان (عج) و به طور کلی با حماسه حسینی برقرار نماید می‌باشد.

این زیارت از چنان جایگاه معرفتی بلندی برخوردار است که از زمان ائمه اطهار

(علیه السلام) تاکنون نه تنها از برنامه عبادی پیچ یک از ائمه و یارانشان و نیز علمای

راستین اسلام حذف نشده است، بلکه روز به روز تأکیداتشان بر اهمیت آن و

مداومت بر خواندن آن بیشتر شده است.

از نکات قابل توجه دیگر در اهمیت و جایگاه زیارت عاشورا این است که مشهور بین
اولیای خدا و علما این است که زیارت عاشورا **حدیث قدسی** است و از سوی خداوند
تبارک و تعالی به جهت عظمت شأن امام حسین (علیه السلام) و واقعه عاشورا و نیز
ضرورت شناخت ابعاد مختلف این روز عظیم و وظیفه ای که بندگان خدا در قبال
امام (علیه السلام) و عاشورا دارند توسط فرشته وحی - جبرئیل - به رسول
خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) اعطاشده است و به وسیله امام پنجم (علیه السلام) پس
از واقعه کربلا در اختیار مردم قرار گرفته است.

زیارت عاشورا اگر چه به حسب ظاهر از امام باقر و امام صادق علیهما السلام نقل شده؛

زیرا صفوان که از یاران امام باقر و امام صادق علیهما السلام است می گوید:

”من در روز عاشورا در خدمت امام باقر علیه السلام بودم که این زیارت را قرائت

فرمودند.

همچنین می گوید:

”امام صادق علیه السلام پس از زیارت امیر المؤمنین به طرف کربلا اشاره کردند و

این زیارت را قرائت کردند.

اما در واقع این زیارت از ناحیه خود خداوند متعال نازل شده

و از احادیث قدسی است؛

چون شیخ عباس قمی در مفتاح الجنان از امام صادق علیه السلام نقل می کند که:

”آن حضرت از پدر بزرگوارش و ایشان از اجداد طاهرینش و آنان از پیامبر اکرم

علیهم السلام و آن حضرت از جبرئیل و جبرئیل از خداوند متعال نقل می کنند که

حضرت احدیت به ذات مقدس خود قسم خورده که هر کس امام حسین علیه السلام را با

این زیارت، از دور یا نزدیک زیارت کند، زیارت او را می پذیرم و خواهمش و

حاجت او را برآورده می کنم و بهشت و آزادی از جهنم را به او عطا می کنم و شفاعت

او را در حق هر کس که نخواهد قبول می نمایم.“

زیارت عاشورا به چند طریق به دست ما رسیده که بنا بر یک طریق،

حدیث قدسی محسوب می شود.

شیخ طوسی با سه سند این زیارت شریفه را نقل می نماید:

۱- عقبه ابن خالد از امام باقر علیه السلام؛

۲- صفوان بن مهران از امام صادق علیه السلام از پدرانش از پیامبر و جبرئیل و

سراجام از خدا؛ (بنابر این سند زیارت عاشورا **حدیث قدسی** است

چون به عنوان کلام خدا معرفی شده است.

بنابر این نقل امام صادق می فرماید:

من برای هر کس که از دور یا نزدیک به این زیارت ابا عبدالله رازیارت کند

و دعای بعد از این زیارت را بخواند،

ضمائم که زیارتش قبول و سعی و تلاشش مورد قدر دانی خدا بوده و...، بعد می فرماید

این ضمانت را پدرم (امام باقر) هم داده

و این ضمانت را از پدرش (امام سجاد) هم نقل کرده

و او هم این ضمانت را داده و از پدرش (امام حسین) نقل کرده

و او هم این ضمانت را داده و از برادرش امام حسن هم نقل کرده

و او هم از پدرش امام علی نقل کرده و امام علی هم این ضمانت را داده

و از پیامبر هم نقل کرده و پیامبر هم این ضمانت را از جبرئیل نقل کرده

و جبرئیل هم این ضمانت را از خدا نقل کرده که قسم خورده

هر کس به این زیارت و دعای بعدش از دور یا نزدیک اباعبدالله الحسین (ع) را

زیارت کند، زیارتش قبول و شفاعتش پذیرفته باشد...

و برای قسم ملائکه و ما را شاید گرفته است.

۳- علقمه بن محمد حضرمی از امام باقر علیه السلام.

بیشتر رجال این سه سند، مورد تأیید علمای علم رجال می باشند و سند آن مورد قبول

مصباح المتجید و سلاح المتعبد، شیخ طوسی است.



کاش زمین قصه می گفت

کاش زمین شعری سرود

اگر زمین قصه می گفت

قصه ی خون حسین

قصه ی نخل های سوخته در امتداد رود

قصه‌ی نخل‌های عطشناک و تشنه‌ی کام

و خون حسین

جاری در ک زمان

در بستر زمین

و کربلا

یک دشت سوخته

پراز جام‌های شکسته لاله

و خورشید بر سر نیزه

وآیات تبرک نور بر لبانش

وزینب

تفسیر آیه ی نور

وقامت خمیده ی یاس

سوکوار نور

بانوی آب ها و آینه ها

و کهواره ی زمین

بستر خونین کودک ششماهی می حسین

و خون از گلوی عشق

به آسمان فواره می زند

ولیدا

بی تاب و بیقرار

بر قامت دلارای سرو خویش

بر قامت پسر چشم دوخته است

و ابوالفضل،

حامل اللوا، قمر العشیره، باب الحوائج

سردار فتح میدان عشق

در کار مشک و دزدان و تیرونیزه‌ها

و دست‌علدار کربلا

در کار بیعت سرخ عشق

و فرات

شرمسار و خجل

تشنه دیدار لاله‌ها

وزینب

در کنار خیمه ها

باقامت دلکش و رسا

و محزون تر از دیده ی شفق

به لاله های پر پروبی سر

به خون شقایق که دشت را گلگون کرده است

به کودکان آیه تطهیر

به ذواجنح

به گهواره ی خالی عشق

به خیمه های فروقاده شهیدان فاتح

به رقص شمشیرها و باران نیرها

به زکس مست رقیه

که به شبم نشسته است

به آسمان به عشق، نیایش

به عطش به ناله ها به ستایش

به قلب خویش به کودال قتلگاه

به خورشید که بر سر نیره نشسته است

به آیه های فوقاده زقرآن

به الشمس والضحی

به شق القمر

به کاف، هـ، یا، عین، صاد (کمیص)

به ایها النقیس واه المطمینة

به ارجحی الی ربک

به راضیه مرضیه

به فادخلی فی عبادی وادخلی جنتی

به سوره می نور

به نور علی نور

به سوره می والقدر

به تنزیل الملائکة والروح

به العاديات

به الفارعه

به العصر

به کوثر

بہ توحید و اخلاص

بہ یَقِیْلُوْنَ فِی سَبِیْلِ رَاسِہ

بہ لَا تَحْسِبَنَّ الَّذِیْنَ

بہ سَتَشْعُرُوْنَ

بہ اَجْرُ عَظِیْمٍ

بہ یوسف بہ چاہ

بہ یونس بہ حوت

بہ موسیٰ بہ عیسیٰ بہ نوح

به طاهیه یاسین به هود

به فرقان به سجده به نجم

به عمران به فاطر به فجر

به الشمس و الیل و الذاریات

به التین، قلم، عادیات

به السّاقون

به قدر، فلج، المؤمنون

به ملک و مدثر به صف

به توبه، فریاد به کهنه

به طارق، بروج و علق

به تکویر و ماعون، فلق

به انسان به مؤمن به ناس

به فاطر به اسری به یاس

به اعلیٰ به یونس به الاشفاق

به رحمان، محمد به الانفطار

به آیات کبری

به قرآن بی سر

به عین عطش، صاد صبر

به سجاد و سجده به سوز عطش

به سوسن به لاله به روی نقش

به رخساره می گل کبودی سیلی

به گلزار زهرا، رخ، همچو نیلی

به اشک بتقش به ماتم به غم

رخ ز عفرانی به درد و الم

به مشک و به تیرو به چشم قمر

به دستان گلگون جدا از بدن

به ماه و ستاره به خورشید و خون

به جانبازی گل رخ لاله کون

به شام غریبان به اشک یتیمان

به گل های پرپر به دشت بلا

به ماه شهیدان کرب و بلا

به لیلا به اصغر به تیغ بلا

به آتش به خنجر شه کربلا

به بارانی از آتش و خشم و خون

شده سینه اش موج دریای خون

و دریای خون موج زد بر شفق

و گل های نیلی به جام فلق

سبوهای مستان به جام بلا

و خنجرهای عشق در کربلا

وزینب سلام الله علیها جامه ی صبر در بر خویش و پژواک نور و موج صدایش در دل

تاریخ می پدید که:

ما رأیت الا حمیلا

من چیزی جز زیبایی ندیدم.

السلام علیک یا ابا عبد الله محمد بن حسین
حکیم الامیر



و کربلا یک دشت اندوه،

و خورشید در خون خویش شناور گشته است.

و ماه به دو نیمه، و ستاره ماهمه نجم ثاقب،

و آسمان نیلی، و زمین عطشناک و خسته،

و شط خون موج روی موج،

واز زمین عشق بہ آسمان می بارد.

ودشت کربلا پر از بوی یاس،

وقامت خمیده و سیاہ پوش مادری کہ از آسمان بہ زمین ہبوط کردہ است و فرزند

خویش را می جوید.

و بر بالین ہر شہیدی پر از عطر یاس.

و عباس علیہ السلام کہ ماہ بنی ہاشم بود و علیدار لشکر حسین علیہ السلام سر بر زانو می

یاس می گذارد و دلش آرام می یابد، و حسین علیہ السلام را کہ اماش بود و مقتدایش،

و ہر کز گامی فراتر از گام برادر نہاد و او را مولاو آقای خود خطاب می کرد

اکنون برادر خطاب می‌کند

و حسین علیه السلام رامی‌طلبد که او را دریابد.

و حسین علیه السلام که آب مهریه مادرش بود و بهایش از ششگی ترک برداشته است،

دستاش پراست از آب حیات، و می‌بخشد به کام عطشاک و تشنه‌ی هر شهید.

و یاورانش همه حسینی و پاک‌باخته، و دل‌شیدایی‌شان در کرم و محبت امام حسین

علیه السلام.

و دل‌سودازده‌مان را بدنبال خویش به صحرای خون و جنون می‌کشانیم،

و در میان چکاوک شمشیرها و باران نيزه‌ها از میان خیمه‌ها می‌گذریم،

ودشت پر می شود از خون شقایق، و فواره عشق از رک هر شهید.

و آتش از خیمه بالالامی رود، و چادر زنان حریم یاس، و دامن دخترکان آیه می تپه‌سیر

در کرداب آتش و خشم شب پرستان.

و تازیانه‌های ستم بر اندام گل‌های حسینی خطی از خون می‌کشد،

و پای‌های برهنه‌شان پر از تیغ‌های ظلم و تناول‌های اندوه.

و دل‌های مجروح‌شان پر از غم‌تیمی و دبدب‌ری و آوارگی و غربت.

و عطش جان‌شان را می‌سوزاند،

و اشک بر رخساره کبودشان همچون شبنمی بر گلبرگ‌های لطیف و پژمرده‌شان.

و کوشواره از لاله های خونین کوش دختران ناز کشیده می شوند و به نیغ می رود.

و دل زینب سلام الله علیها هزار باره می شود

و شعله های لاله می گیرند،

و زینب سلام الله علیها دنبال بیمار خویش می گردد.

پرده های سیاه شب، و شام غریبان عترت رسول الله، گرد غم و اندوه جاودانه

بر دامن هستی می نشاند.

و غم زینب سلام الله علیها، غم زمانه می شود، و عصر عاشورا حزن خود را به عصر جمعه ها

می بخشد.

و هر جمعه بعد از ظهر که می شود دولت پر می شود از بوی کربلا، و اندوه از زمین و آسمان

بردست می بارد

و حزن مونس تنهایی ات می شود، و تو نمی دانی که بار این غم را به کجا ببری.

و تمام کائنات، و دل تمام ذرات هستی شریک در غم زینب سلام الله علیها.

و شهیدان عاشورا و عاشورائیان شهید،

بر بلندترین نقطه کمال انسانی خویش نظاره گر چگونه زیستمان و چگونه بودمان.

و بهی سوار بر مرکب عشق تاختند

و از ظلمتگده ی زمین و بند خاک،

جان اهورائی شان را بر بلندای قله های نورانی وصال دوست رسانیدند

و تا بد سرمست از شراب لقاء الله،

و غنچه بر بزم یزد قون.

و کربلا یک تاریخ عشق بر جغرافیای هستی.

و تاریخ پر است از جان های مشتاق و عاشقی که دل های سودائی شان کبوتران سبکبال

حرم او بودند و سرب راه این عشق نهادند.

و عاشوران دوبره تاریخ در هر زمانی و در هر سرزمینی پژواک نور راوندای آسمانی بل

من ناصر ایضی را شنیدند و لبیک گفتند که:

عاشق و عاشقه

عاشورایک نغمه‌ی بلند از دلکش‌ترین نغمات الهی است.

که عشق در بلندای قله هستی،

و عقل لنگ لنگان دیده به دشت دوخته است، که حتی افق نگاهش از فتح قله

ناتوان.

و عشق که اکسیر حیات است و جوهره‌ی هستی

بر بلندای آفتاب، جهان خاکی را نور می‌بخشد و دل‌های سوزده را مجذوب خویش

می‌کند.

و کوساله سامری عقل رنگ می بازده که عصا وید یضای نجاست.

عقل در این وادی نمی کنجد و هنوز قدمی برنداشته زمین می خورد.

عقل دوراندیش و مصلحت بین کجا،

و معرکه جانبازی و عشق ورزی مردان قبیله ی عشق کجا؟

و زنان نیز در این معرکه مردانی بودند که بایک گام از هفت کردون گذشتند،

و از زمین و زمان کرد برانگیختند که خون عشق در رگهایشان می جوشید،

و با بال عشق تا سر پرده ی نور تا قاب قوسین او ادنی پریدند

که غربت خاک جای آنان نبود.

و کودکان قبیله‌ی عشق که شیر معرفت می نوشیدند و دامان آیه تطهیر بسترشان،

گلوی تشنه‌ی خویش را ب تیغ عشق سپردند که اینان سرداران سپاه عشقند.

تنهائی که آب حیات ابدی را بر آب فرات برگزیدند و خیمه از خاک برچیدند

و به آسمان هجرت کردند که نور به آسمان بال می کشاید.

و نور از آسمان بر تو می بارد، و می تابد که ترا گرم کند و جان بخشد،

که بند زمین از پایی دل باز کنی.

قدم عقل می لنگد، با بال عشق پرواز کن و بنگر تا کجا اوج می گیری.

آسمان مانیر نمی تواند جان عاشق ترا در حصار خویش به بند کشد که تو در آسمان مانیر نمی کنی

و نور خداست که بر دلت می تابد، و سرزمین وجودت سبز و نورانی می شود.

و عشق تو را از نومی سازد، بالنده تر و گسترده تر.

و قلم بی تاب می شود، و کلمات کوتاه و حقیر،

و او خود قلمی دیگر بدست خواهد داد و جوهر روح که بیرنگ است

و صفحات سپید دلت.

و نقش می زنی، و می مکاری، و معنای بلند عشق در پیش چشمانت جان می گیرند

و صفحات را رقم می زنی،

و نگاه در می یابی این تو نیستی که می نویسی.

و اوست که می نگارد و تو می خوانیش

و تصویر تاناک عشق در عاشورا تجلی پیدا می کند

و تو از هر کجا که به این تصویر دیده بدوزی شوریدگی جان های بیقرار مردمان قبیله می عشق

دل و جانست را به آتش می کشد و به یغما می برد.

و در شعر بلند عاشورا که منظومه می جاودان و بزرگ هستی است

در می یابی که گل واژه ها همه سرخ

و قافیه ها همه سبز

وردیف‌های عطش در امتداد رود.

ودل های عاشورائیان جام های لبالب از می گلگون،

و جانہا نشان مست شراب وصال کہ:

سقاہم و ربہم شرباً طہوراً

و هر محرم این همه چشم غرقاب اشک و در خون نشسته شیعه

آیاری می کند گلستان خونین عاشورا را.

لا علم الحسني وعمر بن الحسن وعمر بن عبد العزيز

و پس از شهادت امام حسین علیه السلام،

زینب سلام الله علیها مانده است و نیلوفران آبی که جانشان از عطش می سوخت

و پاهای برهنه و کبود بقشه،

و زکس مست رقیه که به شبم نشسته بود،

و یک دشت پر از لاله های پر پرو خنین.

و پس از شهادت امام حسین علیه السلام، زینب سلام الله علیها مانده است و

کاروان اندوه، و گل های خیس باران خورده،

و دست غارتگر پائیز که شاخه ها را در هم شکسته بود و جام های شکسته می لاله.

و پس از حسین علیه السلام،

زینب سلام الله علیها مانده بود و مرغان مهاجر شکسته بال.

و خورشید بر سر نیزه و آیات تبرک نور بر لبانش.

و زینب سلام الله علیها که تفسیر عشق بود و معنای بلند استقامت و آزادی و صبر،

او که خود سیمرغی بود بر بلندای قاف عشق،

مرغان شکسته بال کاروان سیاه ماتم را به زیر بال و پر خویش گرفت.



و کاروان کربلا اینک به شام می رود.



و مانیز به همراه کاروان، دل خویش را به ویرانه های کشانیم،

که پس از حسین علیه السلام، زینب سلام الله علیها مانده بود و خرابه های شام.

و دخترکان ناز حریم یاس، خرابه نشینان عشق،

و کنجینه می عترت الهی مستور ویرانه ها.

ورقیه که همچنان ناآرام بود و دل سودائی اش بهانه می پدر می گرفت،

و بی تاب دیدار عشق.

و سرخ ترین گل هستی، در جام زرین عشق نقاب از چهره می گیرد

و بلبل ملکوتی اما ویرانه نشین جان و دل از دست می دهد.

و بلبل به شوق این دیدار نغمه ها سر می دهد

و بال و پر شکسته و خونین خویش را بر روی گل می کشد، و گل پر از شبنم می شود.

و این تصویر در آئینه می نگاه زینب سلام الله علیها در موج اشک می شکند.

و بلبل در اوج بیقراری و آواز حزین خویش،

سربر روی گل خم می کند و خاموش می شود.

نخواهوترنم های عاشقانه این مرغ مهاجر الی الله،

این پرنده ی کوچک غمگین،

در دیدار عاشقانه ی گل کمرشده خویش کم می شود

و سکوت سنگین او خرابه را پر از اشک و فریاد و غوغا می کند.

و پرنده قفس تن به خاک ویرانه می سپارد،

و خود بدنبال پدر و برادران شهیدش رهسپار عرش خداوندی اوج می گیرد.

و نگاه در اشک نشسته و دل در خون پییده ی زینب (س) بدرقه ی راهش.



وکاروان عاشورائیان، فراتر از زمان و مکان، بر بلندای قله‌های عشق گام می‌سپزند

وندای:



سردار فتح‌کربلار با خویش به تمام نسل‌ها در همه‌ی عصر‌ها می‌رسانند.

و او که مسافر بود و دشت های زمان در زیر گام هایش، و عبور از سخطه ها و گذشتن از

افق های عصر ها و زمان ها، آئین و مذبحش و با آدم علیه السلام به زمین، مہوط کرده بود

و آدم علیه السلام را سوگوار حسین علیه السلام یافته بود.

و فرزندش شیث نیز جامه می اندوده در بر خویش کرده، و در دل کوه بر تنهایی و غربت

امام حسین علیه السلام اشک ریخته بود.

و ادیس پیامبر نیز با عاشورا آشنا بود که عشق حسین علیه السلام در زمان و مکان نمی کُجد.

و نوح را دیده بود در دل کشتی، و نام حسین علیه السلام بر لبانش،

که سفینه النجاة و مصباح الهدایه اوست.

و مریم سلام الله علیها نیز در سوک فرزند زهرا سلام الله علیها به میح خویش شیر عشق به

حسین علیه السلام، نوشانده بود.

و میح که خود مصلوب عشق بود و آئین زندگی اش اقتدار حسین علیه السلام.

و موسی علیه السلام نیز شبانی بود که حزن عاشورارادنی خویش در دل زمانه

می نواخت.

و تمام پیامبران را دیده بود که در سوک سرخ فرزند زهرا سلام الله علیها سایه پوشیده بودند

و بر غربت سنگین و حزن آلودش گریسته بودند.

و ابراهیم علیه السلام نیز محرم رامی شناخت، و خوش باخون عاشورائیان در آینه خت بود.

و فرزندانش، اسماعیل و اسحاق، و آن دیکرانی که خون عاشورا جانشان را به آتش
می کشید، و خون عشق در گهایشان می جوشید، و روح بیقرارشان با طهر عاشورا پیوندی
دیرینه داشت.

و تمام رسولان و پیامبران با محرم انس داشتند

و چشم به راه محمد صلی الله علیه و آله.

که آئین شان محمدی بود

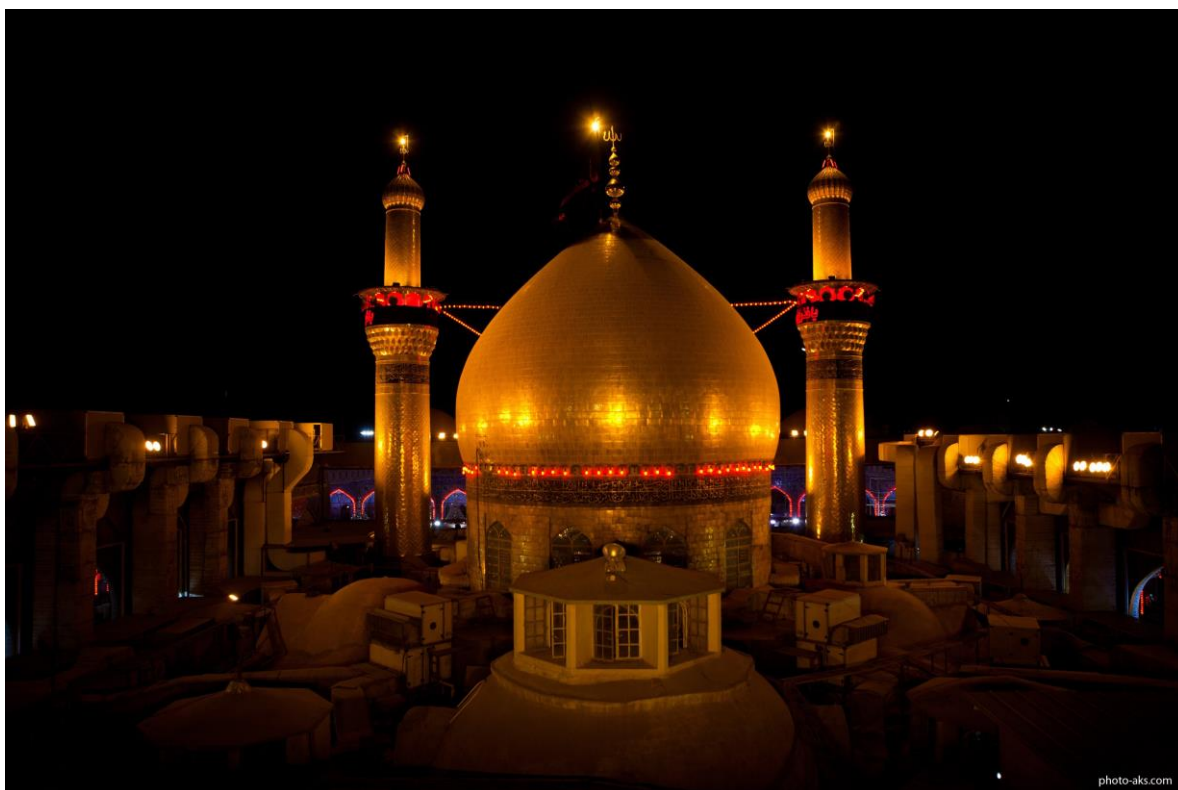
و مذهب شان تشیع سرخ علوی.

و خون امام حسین علیه السلام و تمام عاشورائیان،

جاری درک زمان،

در بستر زمین،

بوشان و خروشان، آبیاری می کند دشت های سبز تو حید را.



سخنان امام حسین علیه السلام

امام حسین علیه السلام:

منه قیام نموده ام بکسر اخلال و افساد و ظلم، بکمه قیام من
بخاطر امر به معروف و نهی از منکر و نشانه دادن راه
رسول اکرم صلی الله علیه و آله و پدرم امیرالمؤمنین علیه السلام
و اصلاح مفسد در امت جدم مر باشد.

حضرت امام حسین (ع):

به جانم سوگند، امام آن کسی است
که بر اساس کتاب خدا حکم نماید و اوگری
ورزد، پیرو دین حق باشد و در راه طاعت
خداوند نفس خود را مهار سازد.

امام حسین (ع):

من به دین خود مینا، ستم و هدایت الهی بر من آشکار است،
اگر شما از دین بی اطلاعید خود در طلب آن بروید و بیاموزید.
پس فرمود: مرا بامراء و خصومت چه کار؟ این شیطان است
که در ضمیر آدمی و سوسه می‌کند و می‌گوید با مردم در امر دین مناظره
کن و بحث نما تا دوباره استکان ناتوانی و نادانی نبرند.

مستدرک، جلد ۲، ص ۹۸

اسوه یاران امین
فرهنگ یار
www.FarhangYar.ir
YaranAmin@gmail.com
تلفکس: ۰۲۱-۴۴۴۹۲۲۵۲

امام حسین (ع):

چیزی را بر زبان نیاورید
که از ارزش شما بکاهد.

جلاء الحیون، ج ۲، ص ۲۰۵

اسوه یاران امین
فرهنگ یار
www.FarhangYar.ir
YaranAmin@gmail.com
تلفکس: ۰۲۱-۴۴۴۹۲۲۵۲

امام حسین (ع):

خدایا! تومی دانی که آنچه که اتفاق افتاد برای مسابقه در قدرت

یا خواستن چیزی از متاع فانی این جهان نبود، بلکه همه بدان جهت بود

که نشانه های دینت را بنماییم و در شهرهای تو دست به اصلاحات زنیم،

تا بندگان ستمیده ات ایمن شوند و احکام متروک دین تو دوباره به جریان افتد.

تحف العقول، ص ۲۳۹

اسوه یاران امین

فرهنگ یار

www.Farhang-Yar.ir

YaranAmin@gmail.com

تلفنکس: ۰۲۱-۴۴۴۹۳۷۵۳

امام حسین (ع):

سلام قبلی از سخن گفتن است

خدایت عافیت دهد. بعد فرمود

"به کسی اجازه سخن ندهید تا سلام کند".

مترجم: جلد ۴، ص ۶۸

اسوه یاران امین
فرهنگ یار
www.FarhangYar.ir
YaranAmin@gmail.com
تلفن: ۰۲۱-۴۴۴۹۳۲۵۳

السلام علیک یا ابا عبد الله الحسین



فرمایشات امام حسین (علیه السلام) در روز عاشورا:

من نه بیهوده و نه ستمگرانه قیام کردم
و خروج نمودم بلکه غرض و هدفم
اصلاح در میان امت جدم است.

امام حسین علیه السلام فرمودند:

**هر کس این پنج چیز را نداشته باشد از
زندگی بهره ای نمی برد: عقل، دین، ادب،
شرم و خوش خلقی.**

بحار الانوار، ج ۸۷، ص ۲۱



امام حسین علیه السلام فرمودند:

**چه دارد آن کس که تو را ندارد؟ و چه
ندارد آن که تو را دارد؟ آن کس که به
جای تو چیز دیگری را پسندد و به آن
راضی شود، مسلماً زیان کرده است.**

دعای عرفه، بحار الانوار، ج ۹۸، ص ۲۲۸



www.FarhangiSite.ir



امام حسین علیه السلام فرمودند:

لَا أَفْلَحَ قَوْمٌ اشْتَرَوْا مَرْضَاةَ الْمَخْلُوقِ
بِسَخَطِ الْخَالِقِ.

ملتّی که خشنودی مخلوق را
با خشم خدا معامله کند
هرگز رستگار نخواهد شد.

عوالم، ج ۱۷، ص ۲۳۴

fb.com/haditheeshgh

twitter.com/haditheeshgh

hadith-eshq.blog.ir

afsaran.ir/profile/hadith

حدیث عشق

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

مرگ با عزت

قال الحسين عليه السلام:

مَوْتُ فِي عِزٍّ خَيْرٌ مِنْ حَيَاةٍ فِي ذُلٍّ

مرگ با عزت، از زندگی در ذلت، برتر است.

اللهم صلي على محمد وآل محمد وعجل فرجهم

امام حسین (ع):

حضرت مهدی دارای غیبتی است که گروهی
در آن مرحله مرتدی شوند و گروهی ثابت قدم
می مانند. افراد مرتبه آنها می گویند: "این وعده کی
خواهد آمد اگر شمار استخوانهاستید؟" ولی کسی در زمان غیبت،
در مقابل اذیت و آزار و تکذیب آنها صبور باشد، مجاهد است
که با شمشیر دکنار رسول خدا (ص)، جهاد نموده است.

اسوه یاران امین

فرهنگ یار

www.FarhangYar.ir

YaranAmin@gmail.com

بخارج ۵۱، ص ۱۳۳

تلفن: ۰۲۱-۱۶۶۶۹۱۲۵۲

حضرت امام حسین (ع):

من از سر غرور و تکبر و تباہکاری و ستمگری قیام نکردم،
بلکه تنها برای این به پا خاستم که اوضاع امت جدم را
سامان دهم، می خواهم امر به معروف و نهی از منکر کنم
و روش جد و پدرم را در پیش گیرم.

الجزء ۴۴، ج ۳، ص ۳۲۹

اسوه یاران امین

فرهنگ یار

www.FarhangYar.ir

YaranAmin@gmail.com

تلفنکس: ۰۲۱-۴۶۶۹۱۳۲۵۳

امام حسین علیه السلام فرمودند:

کسی که از تو حاجتی خواسته است،
آبروی خود را با درخواست از تو ریخته
است، تو دیگر با رد کردن او، آبروی
خود را نیز.

بحار الانوار، ج ۴۴، ص ۶۹۱



انجمن گفتگوی دینی
www.askdin.com

«کلام عاشقورا»

خطبه امام حسین علیه السلام در روز عاشقورا:
ولی من خدایی است که کتاب فرود آورده و هم او
ولی تنایستگان است.
بنگرید من از چه خاندانه و به خود آیید.
خویش را سرزنتن کنید
و بنگرید آیا گفتن من رواست؟
حرمت من برای تنما زیر پا گذاشتنی است؟
آیا من پسر پیغمبر (ص) تنما نیستم؟
پسر وصی و عموزاده تنما نیستم؟
آیا حمزه سیدالشهدا (ع) عموی پدرم نیست؟
آیا جعفر بن ابیطالب برادر پدرم که در بهشت با دو
بال پرواز می کند، عمویم نیست؟
به تنما نرسیده که رسول خدا (ص) درباره من و
برادرم فرمود سید جوانان اهل بهشتند؟
اگر گفتار مرا درست می دانید، بسیار خوب، باور کنید.



منبع: ارشاد مفید، ج ۴، ص ۱۰۰ - ۱۰۲

السلام علی الحسین وعلی اهل بطن الحسین وعلی اولاد الحسین وعلی اصحاب الحسین

امام حسین علیه السلام فرمودند:

خداوند، تو آگاهی که آنچه انجام دادیم
نه برای رقابت در کسب جاه و مقام بود
نه برای چیزهای پوچ و بیهوده دنیا
بلکه برای این بود که نشانه های راه دینت را ارائه دهیم
و (مفسد را) در شهرهای تو اصلاح کنیم
تا بندگان مظلوم تو در امنیت و آسایش باشند
و به احکام تو عمل کنند.

تحف العقول، ص ۲۳۹

www.askdin.com

«کلام عاشقورا»

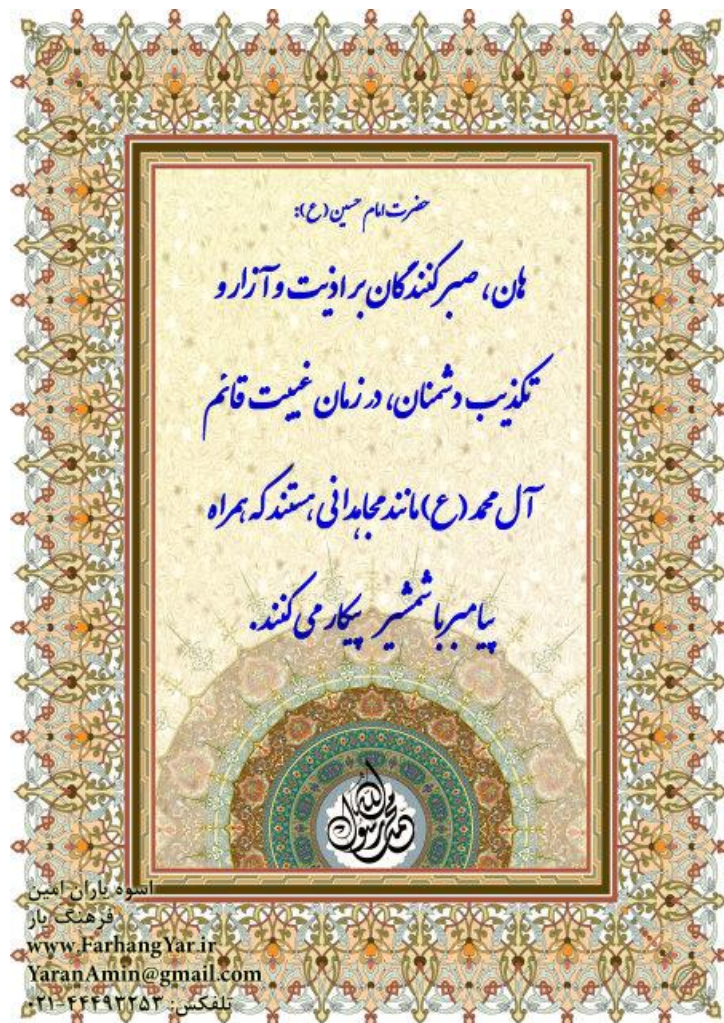
خطبه امام حسین علیه السلام در روز عاشقورا:

نه به خدا، نه دست خواری به تنما خواهم داد و نه مانند بندگان فرار خواهم کرد.

ای بندگان خدا من به پروردگار خود و پروردگار تنما پناه می برم از این که آزاری به من برسانید» (سوره دخان، آیه ۴۰)
به پروردگار خود و پروردگار تنما پناه می برم از هر سرکشی که به روز جزا ایمان نیاورد.



منبع: ارتداد مفید، ج ۲، ص ۱۰۰ - ۱۰۲



امام حسین (علیه السلام):

من برای زنده نگه داشتن دین اسلام
وامریه معروف و نهی از منکر قیام کردم



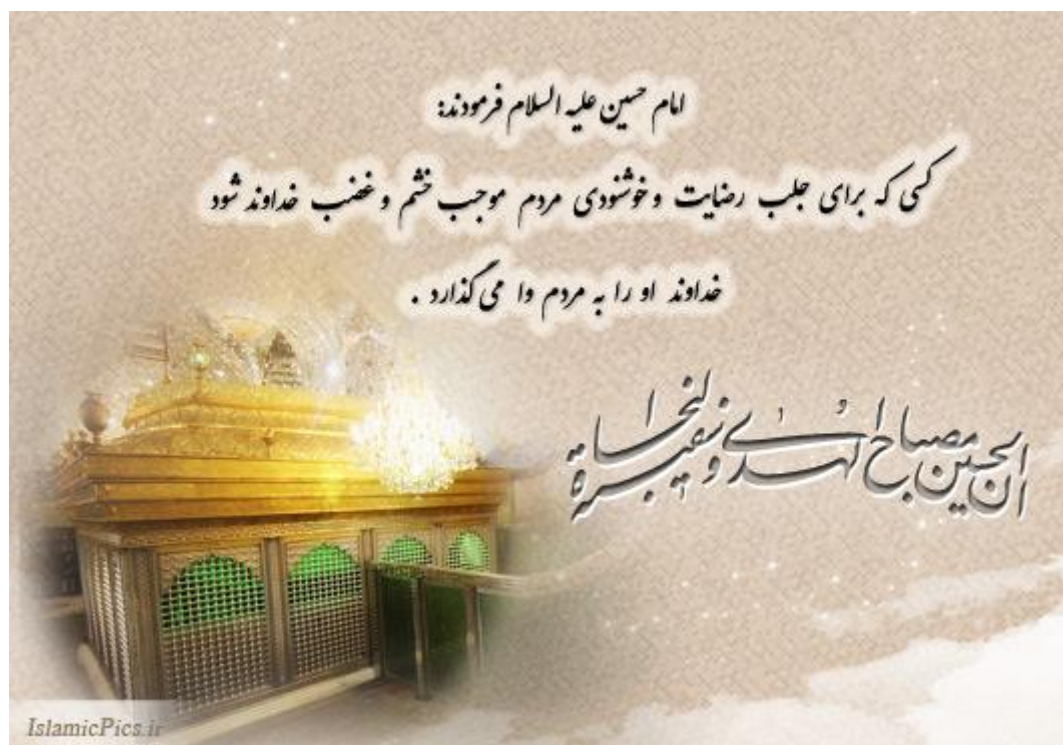
امام حسین (علیه السلام):

من از مرگ نمے ہراسم و آن را جز سعادت
نمے بینم و زندگے باستم گران و ظالمان را
عار و ننگ مے شناسم.

امام حسین علیہ السلام فرمودند:

اے مردم در خوبی ہا با یکدیگر رقابت
کنید و در بدیہ گرفتن از فرکت ہا شتاب
نمایید و کار نیکی را کہ در انجامش شتاب
نکردہ اید، بہ حساب نیاورید.

ارشاد القلوب ہرامی، ص ۳۷



«کلام عاشقورا»

خطبه امام حسین علیه السلام در روز عاشقورا:

و به خدا سوگند از روزی که دانسته ام خدا با دروغگوها دشمن است دروغ نگفته ام و اگر مرا تکذیب می کنید به یقین در میان شما کسانی هستند که اگر از آنان بپرسید شما را به آنچه من گفتم آگاهی دهند. از «**جابر بن عبد الله انصاری**» بپرسید. از «**ابا سعید خدری**» و «**سهل بن سعد ساعدی**» و «**زید بن ارقم**» و «**انس بن مالک**» بپرسید تا به شما بگویند که این سخن را از پیامبر دربار من و برادر من شنیده اند. آیا این گفتار رسول خدا صلی الله علیه و آله از ریختن خون من جلوگیری نمی کند؟



منبع: ارشاد مفید، ج ۲، ص ۱۰۰ - ۱۰۲

«کلام عاشقورا»

خطبه امام حسین علیه السلام در روز عاشقورا:

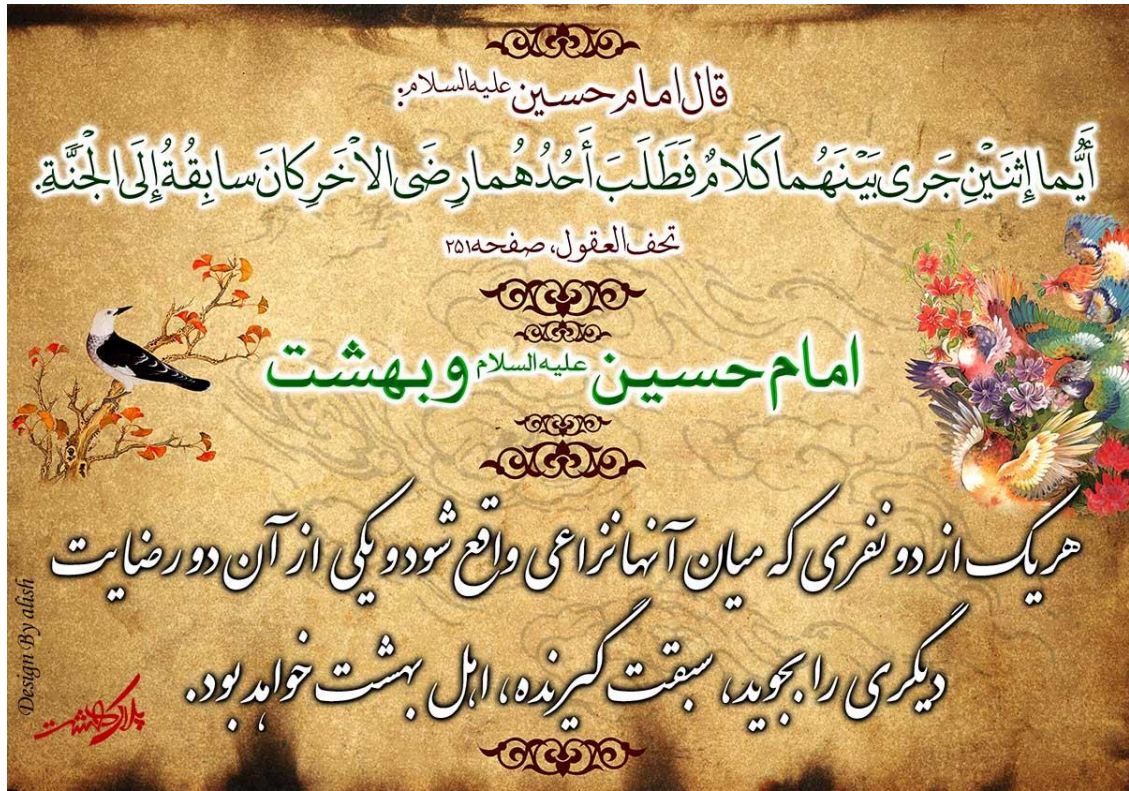
نه به خدا، نه دست خواری به شما خواهم داد و نه مانند بندگان فرار خواهم کرد.

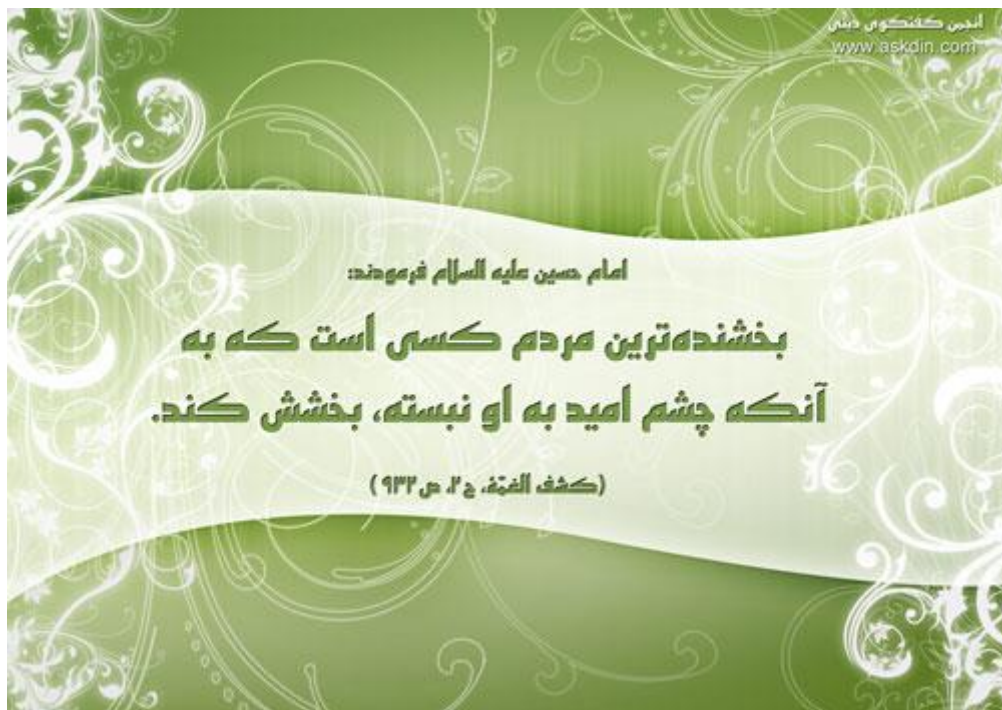
ای بندگان خدا من به پروردگار خود و پرودگار شما پناه می برم از این که آزاری به من برسائید» (سوره دخان، آیه ۲۰)

به پروردگار خود و پروردگار شما پناه می برم از هر سرکشی که به روز جزا ایمان نیاورد.



منبع: ارشاد مفید، ج ۲، ص ۱۰۰ - ۱۰۲





• سه عامل اساس قیام امام حسین علیه السلام :

الف : یزید از امام حسین علیه السلام

بیعت می خواست امام شیدای در مقابل

این درخواست ایستادگی کرد.

• **ب :** دعوت مردم کوفه .

• **ج :** عامل اصلی امر به معروف و

نهی از منکر

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

مرگ با عزت

قال الحسين عليه السلام:

مَوْتُ فِي عِزٍّ خَيْرٌ مِنْ حَيَاةٍ فِي ذُلٍّ

مرگ با عزت، از زندگی در ذلت، برتر است.

اللهم صلي على محمد وآل محمد وعجل فرجهم

امام حسین (ع):

گروهی خداوند را با انگیزه نیل به پاداش و دست یافتن به نعمتهای
نامحدودش بندگی می کنند، این قسم عبادت، شایسته سوداگران
سودجو است. بعضی خداوند را از ترس عذاب عظیمش می پرستند
، این قسم عبادت نیز در خور بردگان زر خرید است. کسانی هستند
که خداوند را به منظور شکر گذاری و انجام یک وظیفه انسانی پرستش
می نمایند این عبادت احرا و آزادگان است و چنین عبادتی

افضل و برتر از تمام عبادات است. تن السؤل، ص ۳۶ فرهنگ یاران

www.FarhangYar.ir

YaranAmin@gmail.com

تلفکس: ۰۲۱-۴۴۴۹۳۲۵۳

همانا مردمان بنده دنیايند و دين لقلقه زبان آنهاست
و هر جا منافعشان [به وسيله دين] بيشتر تأمين شود .
زبان مي چرخانند و چون به بلا آزموده شوند آنگاه
دين داران اندكند
امام حسين ع



آخرین وصیت امام حسین علیهما السلام

ای فرزندانم، از ظلم به کسی که در
برابر تو، هیچ یاری کننده‌ای به جز
خداوند ندارد، بر حذر باش.

«کلام عاشقورا»

خطبه امام حسین علیه السلام در روز عاشقورا:

و به خدا سوگند از روزی که دانسته ام خدا با دروغگوها دژنمن است دروغ نگفته ام
و اگر مرا تکذیب می کنید به یقین در میان شما کسانی هستند که اگر از آنان پرسید شما
را به آنچه من گفتم آگاهی دهند. از «**جابر بن عبد الله انصاری**» پرسید. از «**ابا سعید**
خدری» و «**سهل بن سعد ساعدی**» و «**زید بن ارقم**» و «**انس بن مالک**» پرسید تا به
شما بگویند که این سخن را از پیامبر درباره من و برادر من شنیده اند.
آیا این گفتار رسول خدا صلی الله علیه و آله از ریختن خون من جلوگیری نمی کند؟

التحییر





امام حسین (علیه السلام):

من از مرگ نمی‌هراسم و آن را جز سعادت
نمی‌بینم و زندگی باستم گران و ظالمان را
عار و ننگ می‌شناسم.

سقای شست کبریا

حضرت ابوالفضل (علیه السلام) هنگامیکه دست مبارکشان قطع شد فرمودند:

به خدا سوگند اگر دست راستم را قطع کنید
من پیوسته از دین خود و از امامی که به راستی
به یقین رسیده و فرزند پیامبر پاک و امین است
حمایت می‌کنم.

قسمتی از مقتل امام حسین (علیه السلام)

پس از ثابت تیر سه شعبه به قلب مبارک امام حسین (علیه السلام)

حضرت دست خود را زیر آن خون گرفت، و چون پُر شد به آسمان پاشید و گفت: این حادثه که بر من نازل شده است چون در مقابل دیدگان خداست، بسیار سهل و ناچیز است.

و یک قطره از آن خون بر زمین نریخت

و برای بار دوم دست خود را زیر خون گرفت؛ و چون پُر شد، با آن سر و صورت و محاسن شریف را خون آلوده نموده و گفت: در همین حال خواهیم بود تا خدا و جدم رسول خدا را دیدار کنم.

«مقتل مقرر» از «مقتل خوارزمی» و از «لهوف»

امام حسین علیه السلام فرمودند:

اگر جمع کردن اموال برای ترک کردن آن است
چرا انسان آزاده نسبت به این چیزی که ترک
کردنی است بخل بورزد.

بحار الانوار، ج ۴۴، ص ۴۷۳

امام حسین علیه السلام فرمودند:

**بخشنده‌ترین مردم کسی است که به
آنکه چشم امید به او نبسته، بخشش کند.**

(کشف الغم، ج ۲، ص ۹۳۲)

امام جمعی (ع):

کسی که نخواهد از راه گناه به مقصدی برسد و برتر به آرزویش
می‌رسد و زودتر به آنچه می‌ترسد گرفتاری شود.

(بحار الانوار ج ۲۸، ص ۶۲۰)





لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ مُحَمَّدٌ عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ
عَلَيْهِ السَّلَامُ وَآلِهِ الطَّيِّبِينَ



به پایان آمد این دفتر حکایت همچنان باقی است